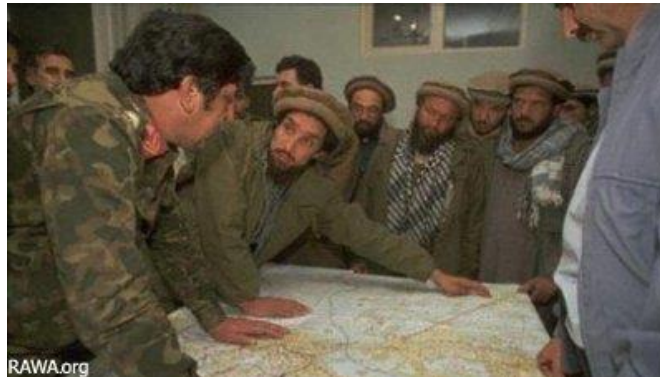


احمد شاه مسعود انسان عاقل و زیرکی بود اما....

به ارتباط خبر قدرمندی از یک جنایتکار جنگی در پایتخت فرانسه



عکسی تاریخی از مسعود، علمی، انجنیر پناه، فهیم و نبی عظیمی بر روی نقشه مقدس افغانستان

این خبر غیر قابل باور مانند برق در میدیا پخش گردید: از جانب بلدیة «شاروالی» پاریس تصمیم گرفته شده است که به قدر دانی از «احمد شاه مسعود» یکی از سران تنظیمی که با شوروی برای آزادی افغانستان مبارزه «!؟» نموده است، در یکی از مهمترین منطقه پاریس، پایتخت فرانسه لوحه یادبودی به نام مذکور که با استناد فراوان، جریان حیات سوال بر انگیزی در روابط با قوای متجاوز شوروی و بسی ممالک دیگر داشته و دقیقاً جای پای تاریک و خونینی در تاریخ بجا گذاشته است، نصب گردد! یا الهی تو صبر اعطا فرمای.

خانه سیاست خراب که چه ضد و نقیض هایی را عندالضرورت به میان می آورد و ذهنیت ها را به بازی گرفته و حقیقت امر را در موارد خاصی، معشوش و دور از باور قرار میدهد. این روش تنها مربوط افغانستان و قضایای وابسته به آن نمی باشد، بلکه در هر گوشه ای از جهان مشاهده می گردد که یکروز با خاین مواجه میگردیم که گوناگون خیانت و حتی جنایت وی را تقبیح می نمایند، روز دیگر، او را به مدارج بلند رسانیده و به مردم می قبولانند که وطن پرست و حتی قهرمانی را معرفی می کنند، مثل همین قضیه مسخره. یا الله!

دور نمیرویم، در همین معضله افغانستان چهار دهه اخیر، چنین مثال هایی را به کرات شاهد بودیم و هستیم که در پهلوئی خیانت پیشه های وطن فروشی چون ترکی، ببرک، اناهیتهای راتب زاد، امین، نجیب، صد های دیگر، همگام و هم نظر آنان در وطنفروشی بوده و در عصر قدرتمندی شان و

مخصوصاً در روزگار خون و آتش اشغال مادر وطن ملت شریف افغانستان از آنچه جنایت و خیانت که در توان شان بود، در جوار عساکر اشغالگر شوروی سفاک، بر هموطنان مظلوم خویش، دریغ نمودند. تعداد زیادی از این گروه، چه در عصر تنظیم های تشنه قدرت، مخصوصاً به حمایت «احمد شاه مسعود» و به امر شوروی، از مجازات معاف شدند و چه جمعیتی که با خفت به غرب پناهنده گشتند، درین ۲۰ سال اخیر دوباره به افغانستان ویران سرازیر شده و در مقامات بلند جایگزین گردیدند. حتی آنانیکه در لست سیاه مؤسسات خیریه بین المللی و امریکا قرار داشتند، با سر بلند، در مناصب عالی مملکت حکمفروایی نمودند، مثلاً صد ها تا چون ربانی، فهیم، قانونی، سیاف، علومی، عبدالله، اتمر، خلیلی و... و...

حال میرویم به سراغ خبر داغ قدرمندی «احمد شاه مسعود» که تلاش برای حیات و زندگی جاودان وی از جانب فامیل و همگامانش منافع سرشاری را نصیب آن گروه نموده و مینماید، بدون شک که مسعود را منفعت طلبان چون متاعی گرانبها چه در حیات وی و حتی بعد از مرگش هم به کرات فروخته اند و به نوا و منفعت بزرگی رسیده اند و میرسند.

«احمد شاه مسعود» که در زمان جمهوریت «سردار محمد داود» با یاران و همگامان خود چون «ربانی و حکمتیار» به حریم آی اس آی پاکستان پناهنده گردید، آموخت که این عمل مزایای زیادی دارد، چنانچه که وابستگی های وی تا دم مرگ به مؤسسات استخباراتی گوناگون شرق و غرب که بعد تر صورت گرفت، از مسعود یک شخصیت چند بعدی مرموز و انعطاف پذیر ساخت.

در عمل، در هیچ صفحه ای از تاریخ افغانستان که در قرون متمادی مملو از جانبازی های قهرمانان و شجاعت سر سپردگان راه صیانت و آزادی وطن بوده است، نمی توان سراغ نمود که یک جنگ «احمد شاه مسعود» را با قوای اشغالگر شوروی با تفصیل و زوایای آن ثبت نموده باشد، مگر جنگ های کوچک «۱» ساختگی را که در همان وادی های اطراف صحنه سازی میگردید و خاک به چشم مردم مظلوم وطن میزد. برعکس نامبرده بصورت وسیع نظر به پروتوکولی در سال ۱۹۸۸ «ماده هفتم» که با شوروی امضاء نمود، همه مجاهدین منطقوی و نواحی سالنگ را که به مقابل روسها مقاومت می نمودند، به نفع قوای زمینی شوروی قلع و قمع نمود! البته اتحاد شوروی از کمک های ارزشمند «مسعود» منجمله حفظ سالنگ ها برای قوای زمینی و مراقبت از پیپ لینی که از شمال تا میدان بگرام کشیده شده بود، نهایت استفاده نمود و در نتیجه اردوی قوای اشغالگر نمبر ۴۰ به سرکردگی جنرال «گروموف» همیشه از همکاری های «احمد شاه مسعود» سپاس گزار بود، چنانچه در مصاحبه ای با اخبار سپوتنیک «۲» حقیقت بزرگی را افشاء ساخته است.

بعد از آغاز قرن ۲۱ میلادی و ختم جنگ سرد طولانی، نه تنها منابع معتبری مانند آرشیف های «سی آی ای و وزارت خانه های دفاع و خارجه آمریکا»، بلکه وزارت خارجه و «دفاع روسیه و منابع کی جی بی» همچنان جریانات جنگ و مناسبات سیاسی گوناگون جنگ های افغانستان را افشاء نموده و به دسترس همگان قرار دادند. همان بود که نویسندگان بیشمار داخلی و خارجی، تعداد زیادی آثار و نوشته های مستند این حوادث خونین را با معرفی دست اندرکاران آن بروز دادند. حتی در همین امریکا میشود به آسانی به وزارت خارجه رفت و از معلومات آن وقت افغانستان عکس گرفت. در مورد قوماندانی «احمد شاه مسعود» در عصر خونین و ناکام «برهان الدین ربانی»، جنگ های داخلی افغانستان و مخصوصاً شهر کابل را به مخروبه ای وحشتناک تبدیل نمود که با تلفات ۶۵۰۰۰ بیگناه اهالی پایتخت، یک دوران دهشت و جنایات ابتکاری و فجیع بشری ای هموطن بر هموطن به وقوع پیوست. این قوماندان بیرحم و جاه طلب نه تنها صلح و امنیت را برقرار ننمود، بلکه در پهلوی دیگر گروپ های سفاک جهادی طوری پیشگام و یکه تاز گردید که با در دست داشتن سلاح ثقیله و خفیفه و راکت های نهایت آتشین برای تصرف قدرت، به سراغ دیگر گروه های جنگی، مخصوصاً «گلبدين حکمتيار» رفت و هردو شهر کابل را ناجوانمردانه، ددمنشانه و سبعمانه به راکت بستند. بیان حوادث و جنایات این فرزند ناخلف افغانستان بر مردم مظلوم آن تا تاریخ باقیست از صفحات تاریک و خونین آن محو نمی شود. هیهات!!



تصویری از یکی از فجایع احمد شاه مسعود - صحنه ای از قتل عام خونین افشار

درین عصر خون و آتش «۱۹۹۲-۱۹۹۶» نظر به راپور «کمیته نظارت بر حقوق بشر» جزئی از تشکیلات «۳» خیریۀ سازمان ملل متحد، کشتار اعظمی شهریان کابل در همان سال اول هجوم تنظیم های جهادی به پایتخت افغانستان صورت می گیرد؛ چنانچه در ۱۱ فروری سال ۱۹۹۳ حادثۀ فجیع و بی مانند «قتل عام افشار» که به قوماندانی و طرح نظامی خود «احمد شاه مسعود» سازماندهی میگردد، یکی از بزرگترین تراژیدی های بشری را رقم میزند که دقیقاً از جانب منابع

خیریه جهانی ثبت تاریخ می‌گردد. درین حادثه مرگبار، در نیمه شب توپ خانه «مسعود» از بالای «کوه آسمایی» شهر های متعددی در غرب کابل، منجمله افشار را زیر فیر می‌گیرد و هزاران زن، مرد و کودک را به خون و آتش غرق می‌سازد و بعد از کشتار فجیع به رضائیت وی، عساکر جنگ به داخل حریم مردم بی دفاع و مظلوم داخل می‌گردند....

از اسناد و مدارک بیشمار افشار عکس ها و ویدیو هایی هم هست که تعدادی از چهره های آشنا عاملان این جنایت بشری را در کنار «مسعود» افشاء می‌سازد و همانطوریکه ذکر شد، همه بدون مجازات و بازخواست، بعد از سقوط طالبان دوباره بر مقامات بلند دولت و به کمک «حامد کرزی» عز تقرر حاصل می نمایند، از قبیل « فهیم، قانونی، عبدالله، بسم الله خان و تعداد دیگر».

اینهم شمه ای از جنایات یکی از چهره های تاریخ معاصر افغانستان که با دستگاه های استخباراتی غرب و شرق بستگی و ارتباط تنگاتنگ داشت.

با هجوم طالبان عهد حجر که با هیچ نوع اسلحهٔ ثقیله و تانک و طیاره مجهز نبودند، «احمدشاه مسعود» منحیث قوماندان قوای دولت ناکام «برهان الدین ربانی» با گروه و گروپ خویش، تعدادی پا برهنه و تعدادی با پشتارهٔ محتویات نقدی بانک های دولتی به طرف شمال فرار نمودند و اصطلاحات نا مفهوم «جهاد و مقاومت» به باد هوا رفت. البته ارتباطات «مسعود» و گروه فراری وی با تکیه به دولت روسیه «تا دم مرگ» پا برجا بوده و رفت و آمد با هیلی کوپتر از خواجه بهاء الدین به تاجکستان و کولاب مانند خانهٔ خاله برقرار!

حال می‌رویم به سطوری که به منزلهٔ خبری از جانب یکی از حامیان «احمد شاه مسعود» در مورد فیصلهٔ بلدیة پاریس در مطبوعات انترنتی تحریر گشته است:

"شورای شهرداری پاریس با اکثریت آراء فیصله نموده تا نشانی را در ناحیه ۸ این شهر برای یادبود از شهید احمدشاه مسعود، قهرمان ملی کشور نصب نماید. این اقدام به پاس مبارزات آزادی خواهانه و صلح جویانه‌ی قهرمان ملی و حرمت گذاشتن به اندیشه‌های آزادی بخش او صورت گرفته است" اولاً لطفاً با اصول تفرقه طلبی در مورد عدم استعمال اصطلاحات و اسمای «خاص و قانونی» دولتی افغانستان نظر بیندازید که ریاست بلدیة و «شاروالی» را با ایرانی سازی «شهر داری» می نویسند، چون به لسان رسمی دوم افغانستان است. ثانیاً ادعای وی اینست که این قدرمندی به خاطر « مبارزات آزادی خواهانه و صلح جویانهٔ احمد شاه مسعود» بوده است.

۱- در مورد مبارزات آزادی خواهانه «احمد شاه مسعود» تکراراً عرض می‌گردد که لطفاً به حکم تاریخ داستان یک جنگ یا محاربه مسعود را با عساکر شوروی و تلفات طرفین، تاریخ و منطقه آنرا در عصر اشغال وطن بیان نمایند. برعکس به گفته جنرال «گروموف» آمر قوای اشغالگر: "اگر مسعود از ارتفاعات پنجشیر بر قوای اتحاد شوروی سنگ پرتاب میکرد یا پایپ لین گاز را منفجر مینمود، صدمه سختی بر قوای زمینی مذکور وارد میکرد که نکرد!"

البته همکاری و همگامی مسعود با امضای پروتوکول‌ها مخصوصاً قرار داد های «خنجان و جبل سراج» با قوای اشغالگر شوروی اظهر من الشمس است که هست!!

۲- در مورد اقدامات «صلح جویانه مسعود» باز هم باید به سراغ صفحات و حکم تاریخ رفت، معلوم نیست که کدام تلاش و نتیجه صلح آمیز مربوط به کار روایی های وی ثبت گردیده است؟! چند سطری از قرار داد مسعود با شوروی را در سال ۱۹۸۸ مطالعه فرمایید: *معاهده مخفی بین احمد شاه مسعود و قوای اشغالگر ۴۰ شوروی در افغانستان:*

به منظور خلق حسن نیت بین رهبری قوای شوروی و مخالفین مسلح پنجشیر و به آرزوی تحکیم صلح در افغانستان، طرفین عاقدین با نیت نیک و پذیرش وجایب ذیل این معاهده را امضا می نمایند . مشاهده می فرمایید که در قرار داد مخفی با «بوریس گروموف» آمر قوای اشغالگر از صلح «؟!» اسم برده شده است!

ولی اگر منظور اقدام و پلان گزاری «قتل عام افشار» و کشتار بیشتر از شش هزار هموطن خفته در خواب باشد که به صلح متعلق نبوده و از جنایات بیدریغ بشری ثبت تاریخ جهان شمرده میشود! شاید منظور، تخریب پلان صلح «ملل متحد» که بعد از خروج و شکست خفتبار شوروی از جانب «ربانی - مسعود» صورت گرفت و افغانستان را تا امروز در دریای خون و آتش غرق نمود، باشد؟! فرانسویان، مخصوصاً گروه چپ گرایان آن همیشه تمایلی به هم فکran خویش در جهان داشته اند، بعد از شکست شوروی و ائتلاف شورای نظار و بقایای حزب پرچم که به کمک «احمد شاه مسعود» از مجازات معاف شده و تعداد زیادی حایز پاسپورت خروجی و فرار به طرف غرب گردیدند، فرانسه تمایل خاصی به این همبستگی نشان داد؛ حتی بعد از سقوط دولت ربانی و فرار از حضور طالبان به طرف بدخشان، فرانسه از مسعود در پاریس پذیرایی نمود. این همان سفریست در سال ۲۰۰۱ که «گوربه چوف» رهبر شوروی از همکاری مسعود منحنیث دوست آندولت در مصاحبه

با بی بی سی لندن، قدر دانی نمود و مسعود در برابر سؤال خبرنگاران در زمینه، به اغماض پناه برد. یا الله!!

ولی اگر بیطرفانه به جریانات تاریخ عصر اشغال و تنظیم ها که مجموعاً ۱۷ سال میشود دقت شود، این دوره ها به نام عصر «جنگ های افغانستان» از خود تاریخ مفصل و مستند و مستدلی بر جای گذاشته شده اند که نقش صد ها کتاب و هزاران رساله از چشم دید های شهود عینی تا راپور های منابع معتبر گردیده است. متأسفانه هر آن سیاست ممالک و سیاست جهانی خاین را قهرمان و یا بر عکس می سازد. در مورد روابط «احمد شاه مسعود» با ممالک مختلفه، بدون شک وی با قدرتمندان در کشور هایی مانند پولند و فرانسه معاملات مخفیانه و مهمی را در زمینه استفاده از منابع قیمتمندی چون زمرد ناب افغانستان و لاجورد بینظیر کشور به عمل می آورد. ویدیویی که در روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در تلویزیون های امریکا نمایش داده شد، این ادعا را تثبیت می نماید.

در مورد قدمندی بلدیة پاریس از شخصیت غیر ملی ای چون «احمد شاه مسعود»، در پهلوی تبلیغات و فشار چپگرایان فرانسه، نباید نفوذ آنانی را که از مسعود با بخشش هایی از سنگ های قیمتمدار ملت افغانستان، بهره مند گشته اند بر مردم احساساتی فرانسه، فراموش نمود. البته سیاست امروز در مورد احتمال نفوذ رسمی طالبان در اداره افغانستان و بیزاری دولت فرانسه ازین معضله را هم نباید از یاد برد. حتماً بیاد داریم که این سیاست بود که با فشار غرب و امریکا، با موجودیت حقایق مبرهن حیات سیاسی «احمد شاه مسعود» و همگامی وی با دولت اتحاد شوروی و کشتار ها و جنایات جنگ های کابل، «حامد کرزی» با خاک زدن بر چشم ملت افغانستان، لقب «قهرمان ملی» را که متعلق به مردم مجاهد کشور بود، غصب و بر مسعود گذاشت!

نوت:

۱- در ماورای این قلمرو، قوای شوروی و قوای مسلح پنجشیر حق دارند تا عملیات نظامی را علیه سائر گروه های مسلح متعلق به دیگر تنظیم های مجاهدین به راه انداخته و ایشان را محو نمایند. خصوصاً گروه هائی که عملیات نظامی را علیه هر دو جانب متعاقبین متوقف نساخته اند. « ماده هفتم قرار داد مسعود با شوروی».

۲- لینک مضمون مصاحبه « بوریس گروموف» با نشریه سپوتنیک.

<file:///C:/Users/Owner/Downloads/m-moosa-nezam-a-sh-masoud-ra-gromov-marefi-mai-konad.pdf>

۳- راپور یکی از فجیع ترین جنایات بشری که قتل عام افشار باشد تحت عنوان «دستان آغشته بخون - Blood Stained Hands» کمسیون نظارت بر حقوق بشر ملل متحد که خبرنگاران آن در کابل موجود بودند.

